

مقدمه‌ای بر

فارسی نویسی برای کودکان

نادر ابراهیم

مقدمه‌ی بر

فارسی‌نویسی برای کودکان

مقدمه‌یی بر

فارسی‌نویسی برای کودکان

نادر ابراهیمی





سازمان اسناد و کتابخانه ملی

سرشناسه: ابراهیمی، نادر، ۱۳۸۷-۱۳۱۵.
عنوان و نام پدیدآور: مقدمه‌هایی بر فارسی‌نویسی برای کودکان / نادر ابراهیمی.
مشخصات نشر: تهران، روزبهان، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری: ۱۶۰ ص.
فروست: مجموعه مسائل ادبیات کودکان، ۱.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۷۴-۰۸۲-۱.
وضعیت فهرست‌نویسی: فیا
موضوع: ادبیات کودکان و نوجوانان—فن نگارش
موضوع: Children's literature—Technique
رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۶ ۲۳ الف ۲۴۰۹ / PN۱۰۰۹
رده‌بندی دیویی: ۸۰۸/۰۶۸
شماره کتابشناسی ملی: ۷۹۶۴-۷۹ م

مدیریت تولید: مؤسسه خنیا حامد کنی

طراح جلد: سهیل حسینی

ناظر چاپ: فرهاد ایمانی

چاپ جلد: چاپخانه رسانقش

چاپ متن و صحافی: چاپخانه بهمن

چاپ اول، تابستان ۱۳۹۶

۵۰۰ نسخه

۱۳۰۰۰ تومان

فروشگاه و دفتر انتشارات

تهران، خیابان انقلاب، روبه‌روی دانشگاه تهران، شماره ۱۲۰۶

کد پستی: ۱۳۱۴۷۵۴۷۱۱

تلفن: ۶۶۴۰۸۶۶۷، تلفکس: ۶۶۴۹۲۲۵۳

www.roozbahan.com

info@roozbahan.com

این کتاب براساس شیوه نگارشی و ویرایشی نادر ابراهیمی تنظیم شده است.

© حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است.

این کتابِ کوچک را به «بانوی وفادار به کودکان وطن»،
خانم توران میرهادی، پیشکش می‌کنم؛ زنی که نامش، با
عزت و احترام، وردِ زبانِ اکثر کسانی ست که در ایران، به
ادبیات کودکان پرداخته‌اند — گرچه اختلافِ نظرهای فراوان
ما، تاکنون، مانع از آن بوده است که اعتقادات و تجربه‌های
هم‌را، در بابِ ادبیات و تعلیم و تربیت کودکان، به‌تمامی،
ادراک کنیم یا بپذیریم.

پیشگفتار ۱۱

۱. مُشخصاتِ واژه‌ها در نوشته‌های ویژه‌ی کودکان ۱۹

۲. مُشخصاتِ جمله‌ها در نوشته‌های ویژه‌ی کودکان ۴۵

۳. فارسیِ سالم یا فارسیِ محاوره‌یی؟ ۵۹

۴. رسمِ خطِ فارسی در نوشته‌های ویژه‌ی کودکان ۸۹

۵. رابطه‌ی موضوع، مفهوم، و هدف با ساختمان و سبکِ نوشته ۱۰۱

پیشگفتار

ایجاد نظمى منطقى در هر گفـت و گوايـجاب مىـکند که در ابتداى سخن، به گونه‌ى فشرده، برخى مُقَدِّمات و کلیات را که بدیهى و پذیرفته شده مى‌انگاریم بازگو کنیم. بدون شک، تفاهم بر سر مُقَدِّمات، و یا درک این نکته از سوى طرفین یک گفـت و گو که بر چه مبناهاى عقاید خود را سامان مى‌دهند و بیان مى‌دارند و چه تعاریفى را به عنوان پایگاه برای حرکت‌هاى منطقى خود بر مى‌گزینند، در راه دوام بخشیدن به گفـت و گو و وصول به نتایج سودمند و رسیدن به وحدتِ نظرى پویا — بدونِ سوختِ زمانى و مرافعاتِ کشدارِ بیهوده — مؤثر خواهد بود.

- زبان، به سادگى، ابزاری برای ارسال و دریافتِ پیام است.
- در هر پیامى، ناگزیر، بایستى خاصیتى باشد. فقط دیوانگان، بدون توجه به نتایج زبان، زبان را به کار مى‌گیرند.

- نوشتنْ ماندگار ساختنِ زبان است برای مدتی مُعین یا نامُعین.
- هدف از نوشتن، چه برای کودکان و نوجوانان، چه برای بزرگسالان، خوانده شدن و فهمیده شدنِ نوشته است؛ یعنى باز هم، ارسال و دریافتِ پیام؛ یعنى ایجاد ارتباط با قصدِ مُعین.

هیچ انسانِ عاقلی به قصد آنکه نوشته‌اش خوانده نشود، نمى‌نویسد. اگر نویسنده‌ی قصدِ ارسالِ پیامی را داشته باشد — البته از طریق

نوشتن — و بدانند که آن پیام، در صورتی که به شکل فرضی «الف» فرستاده شود، گیرنده‌ی پیام زودتر و آسان‌تر از شکل فرضی «ب» آن را دریافت می‌کند — بدون آنکه چیزی از مفهوم و مقصود نهاده در پیام از میان برود — ولی عمداً و آگاهانه، آن پیام را به صورت «ب» بفرستد تا مقداری از پیام از میان برود یا دیرتر و دشوارتر پذیرفته شود، چنین نویسنده‌یی، بدون تردید، نقضی در ساختمان مغز خود دارد و نیازمندِ معالجه است.

(بیماری‌هایی نظیر «میل به نشان دادنِ قدرتِ تسلط بر کلماتِ مهجور دیر آشنا و نوشتن جمله‌های پیچیده و گنگ در مورد مفاهیم ساده و روان» را می‌توان نوعی بیماری روانی تلقی کرد. ضمناً تهیه‌ی جدولِ کلماتِ متقاطع و مُعَمَّاسازی به قصدِ تفتن و تفریح را «نوشتن» به حساب نمی‌آوریم.)

بنابراین:

- هر قدر نوشته‌یی امکان خوانده شدن و فهمیده شدنش — با توجه به ویژگی‌های خواننده، و با حفظِ تمامی مفاهیم و مسائلی که مد نظرِ نویسنده است — بیشتر باشد، آن نوشته، به هدفِ نوشتن نزدیک‌تر است.

و

- تمام قواعد، قوانین، و اصولِ نوشتن — در جهاتِ مختلف — اجباراً بایستی مطیعِ آن اصل یا اصولی باشد که آسان‌تر خوانده شدن و سریع‌تر فهمیده شدن را ممکن می‌سازد.

و

- عموماً و معمولاً، موضوع و مفهومِ مورد بحث در نوشته، و ویژگی‌های خواننده، به عنوانِ عواملی بسیار تعیین‌کننده و جهت‌دهنده، شکلِ نوشتن، حدود کاربردِ واژه‌ها، اصطلاحات، ترکیبات، و بافت و ساختمانِ جمله‌ها را مشخص

می‌کنند؛ لیکن «رسم الخط»، معمولاً، جز در مواردی نادر، از این اصل کلی ثابت برکنار است، و همه‌ی نویسندگانِ مسئول و متعهد و ناخودبزرگ‌بین موظف‌اند که برای وصول به رسم الخطی یگانه و متشابه — البته علمی و منطقی — تلاش کنند.

هیچ اصل و قاعده‌یی، چه قدیمی چه نو، چه معطوف به عقاید بزرگان و نامدارانِ ادب و چه محصولِ کشف و شهودِ زبان‌دانان و زبان‌شناسان و استادانِ معاصر، اگر مانعِ مختصری در راه خوانده شدن و امکانِ آسان تر خوانده شدن و ادراک شدنِ نوشته‌ها ایجاد کند، ارزشِ طرح و بحث و گفت‌وگو ندارد، و اصولاً قاعده، پیشنهاد و اصل علمی نیست تا بتوان مورد ارزیابی‌اش قرار داد.

(همان‌طور که همیشه کسانی بوده‌اند که عطف به زمینه‌های تربیتی و محیط خانوادگی‌شان، قیمة پلویا کوکوی بادمجان را دوست نداشته‌اند، درست همان‌طور هم در قشر «دست به قلم» کسانی هستند که سلیقه‌های شخصی و مشخصی در مورد فی‌المثل جدا نوشتن «می» از فعل یا چسباندنش به آن و یا اصلاً اهمیت ندادن به چسباندن و نچسباندن‌اش دارند، و در برابر این سؤال که «چرا چنین می‌نویسید؟» جواب‌هایی از این قبیل می‌دهند:

— به عقیده‌ی من این‌طور باید نوشت ...

یا:

— من اصولاً این‌طور دوست دارم و عادت کرده‌ام ...

و یا:

— استادِ بزرگوارم، مرحوم ... این‌طور می‌فرمود!

و نیز:

— ای آقا! چه اهمیتی دارد که جدا باشد یا نباشد؟ ما مشکلاتی خیلی جدی‌تر و بزرگ‌تر از این‌ها داریم. (یعنی: من فعلاً مشغول حل مسائل و مشکلات اساسی وطنم، و وقت ندارم درباره‌ی این خُرده مسائل کودکانه بیندیشم.)

گویی همین دسته‌ی آخری هستند که در واقع، به علتِ نپرداختن به مسأله‌ی کودکانه‌ی «زبان» و پرداخت به مسأله‌ی بزرگانه‌ی «فاچاق مواد مُخَدَّر»، جمیع مشکلات و مصائب مردم جامعه را در مورد مواد مُخَدَّر حل کرده‌اند و رفته‌اند پی کارشان.)

بسیار خوب!

چگونه می‌توان درباره‌ی نظراتِ این آدم‌ها و خوب و بد بودن قطعیِ کوکوی بادمجان و قیمة پلو بحث کرد و در عین حال، اوقاتِ عزیزی را، به سود استعمار که همیشه یک ملتِ وِزاج را به یک ملتِ متفکّر منطقی‌اندیش ترجیح می‌دهد — تلف نکرد؟

• پس، این اصلِ کوچک را پذیرفتم که زبان وسیله‌ی ایجادِ ارتباط است، و هرچقدر ارتباط را ساده‌تر و ممکن‌تر سازد، زبانی صحیح‌تر و استوارتر است.

حال می‌گوییم:

ایجادِ ارتباط، بدونِ قصد و هدفِ معین، معنی ندارد؛ یعنی: ذاتِ ارتباط که در این بحث، صورتِ نوشتن و خواندن دارد — خود دارای هدف یا اهدافی است.

• هدف از ایجادِ ارتباط، برای یک نویسنده، از طریقِ نوشتن، ارائه‌ی اطلاع یا اطلاعاتی است که به نظر و اعتقادِ نویسنده (یا فرستنده‌ی اطلاع)، وقوف بر آن‌ها و مدنظر قرار دادنِ آن‌ها در تفکّر و عمل برای خواننده (یا گیرنده‌ی اطلاع) سودمند است — سودمند به طور اعم.

این درست است که نویسندگانِ بدبین، کُزبین، یا پوچ‌گرایی وجود داشته‌اند و دارند که هدفِ آن‌ها از ارسالِ پیام، القاءِ بدبینی بوده و هست؛ لیکن به چند نکته‌ی مُهم در این باب باید توجه داشت: نخست اینکه ممکن است بدبینی این گروه از نویسندگان متوجه نظام و شیوه‌ی اداره‌ی جهان یا ستمگری ستمگران یا دردمندی دائمی طبقاتِ زحمتکشِ جوامع بشری باشد نه متوجه خود مردمِ عادی و روندِ کُلّی حیاتِ بشر.

دوم اینکه ممکن است این گروه از نویسندگان، رهایی راستین انسان از درد و رنج را در پذیرفتن یک جهان بینی پوچ گرایانه و ناامیدانه دیده باشند و ببینند، و هدفشان، باز هم، سود انسان بوده باشد (= زندگی، قفسی ست سرشار از آلودگی؛ انسان پرنده‌یی ست محکوم به اسارت در این قفس و ناتوان از وصول به آزادی...) گرچه چنین برداشت و تصویری، به اعتقاد ما، مطلقاً فاسد است و مردود و بی اعتبار. سوم اینکه، به هر حال، در مورد نوشته‌های ویژه‌ی کودکان و نوجوانان، چنین حالت‌هایی وجود ندارد و نمی‌تواند وجود داشته باشد. اگر نویسنده‌یی — مثلاً — قصد آن را داشته باشد که کودکان را به خودکشی یا کناره‌گیری از اجتماع یا قطع امید از آینده‌ی بشر ترغیب کند، این نویسنده، یا مجنون و مخبط است یا جنایتکار.

بنابراین:

• نویسندگان ویژه‌ی کودکان و نوجوانان هدفشان این است که، در وهله‌ی اول، کودکان و نوجوانان نوشته‌های آن‌ها را بخوانند یا بشنوند و بفهمند و حس کنند، و در مرحله‌ی نهایی، هدفشان این است که به یاری این نوشته‌ها و مفاهیمی که در نهاد این نوشته‌ها وجود دارد، به شادی، سلامت جسم و روح، بهزیستی، رشد ایمان و اعتقاد، رشد تمایل به مبارزه با طبقات ستمگر و اقشار فاسد، و در جمع، آسایش و خوشبختی کودکان (و نوجوانان) کمک کنند، یا همه‌ی این‌ها را به وجود بیاورند، و یا در به وجود آوردن این‌ها سهمی داشته باشند، و یا کودکان را آن‌گونه بار آورند که در آینده در خدمت اندیشه‌های ملی و انسانی و آرمان‌های والای بشری باشند...

(ما مترجمان آثار ویژه‌ی کودکان را، در این گفت‌وگو، جدای از نویسندگان خاص کودکان فرض نکرده‌ایم؛ چراکه در این جزوه، حرف بر سر «شکل» فارسی‌نویسی ست و اینکه کدام شکل منطقی‌تر،

پذیرفتنی‌تر، و مؤثرتر است؛ و در این مورد، تفاوتی بین نویسنده و مترجم وجود ندارد.)

• هر قاعده و اصلی که ما را به اهدافمان — در زمینه‌ی نوشتن برای کودکان — نزدیک کند دُرُست است و آنچه ما را از این هدف‌ها دور کند، نادرست. پسند و سلیقه‌ی شخصی در این مورد نمی‌تواند و نباید وجود داشته باشد یا عنوان شود.

می‌توان در باب اینکه در نوشته‌های ویژه‌ی کودکان «خوشبختی زمان حال» کودکان باید مدِ نظر باشد یا «خوشبختی آینده»ی ایشان، یا هر دو، به گفت‌وگو نشست و روزها و ماه‌ها و سال‌ها کلنجار رفت؛ چنان‌که هنوز هم، ما، بر سر این مسأله، در محدوده‌ی مسائل تعلیم و تربیتی در جنگیم، و تا سالیان سال در جنگ خواهیم بود؛ اما نمی‌توان خلافِ اهدافِ یادشده سخنی گفت و این سخن را قابل گفتن دانست.

• یکی از اساسی‌ترین و ملموس‌ترین اصولی که ما را به هدف‌هایمان از نوشتن برای کودکان نزدیک می‌کند، نوشتن به آن‌گونه است که کودک بتواند نوشته را بخواند، راحت بخواند، بشنود، بفهمد، حس کند، و در صورت لزوم به یاد بسپارد؛ و در همه حال، مجموع این اعمال، چنان‌که گفته شد، تا حدِ ممکن، به آسانی و روانی (= بدون فشار) انجام پذیرد.

(رنگین و آهنگین ساختن نوشته، در صورتی که به سرشاری و رسایی هرچه بیشتر مفهوم کمک کند و یا خواننده — شنونده را از حالت بی‌اعتنایی و کُمداشتِ کشش خارج سازد و به طلب وادارد و برانگیزد، مسلماً در خدمتِ اهدافِ نوشتن برای کودکان است. البته چنین اعمالی نیازمندِ یک مجموعه اطلاع‌ ضرور و تجربه و کارآزمایی است که درباره‌ی آن‌ها، در جزوه‌های دیگر، سخن گفته‌ایم.)

و باز:

برای اجرای چنان اصلی باید به جست و جوی قواعد و قوانین خاص و نسبتاً مُسَلَّم و پایداری پرداخت که تا حدّ امکان تعمیم پذیر باشد و دارای کلیّت.

و سرانجام:

برای یافتن این قواعد و قوانین، باید که تجربه‌های مستقیم (به یاریِ خودِ بچه‌ها) و آزمایش‌های علمی و استفاده از توانایی‌ها و امکانات فنی امروز و کارهای آزمایشگاهی و تحقیقاتِ گروهی مداوم و آمارگیری‌های وسیع و تا حدّ ممکن قطعی را جانشین اعتقاد به سخنانِ گوناگونِ بزرگان، عقاید و نظراتِ شخصی، سلیقه و پسند، و فرضیه‌های خیالبافانه‌یی کرد که در اتاق‌های در بسته و بدون آزمایش و عمل، به‌ویژه بدون روبه‌رو شدن با کودکان و توجّه به خواست‌ها و پیشنهادهای مستقیم و غیرمستقیم ایشان، به وجود آمده است.^۱

برای سخن گفتن با کودکان، باید کودکان را در مقابل داشت.

آنچه در پی می‌آید گزارشی ست مختصر از تجربه‌ها و آزمایش‌های گروه ما و دیگران، در بابِ فارسی‌نویسی برای کودکان؛ و اصولی ست که کم و بیش، به مددِ مواجهه‌ی مستقیم با مُشکل — به قصد یافتنِ راه‌های حل — فراهم آمده است. شک نیست که احتمالِ اشتباه بودنِ برخی از این قواعد و محاسباتِ مربوط به آن‌ها وجود دارد — به دلیلِ محدود بودنِ امکانات و تجربه‌ها، و به دلیلِ اینکه هنوز آزمایش‌ها و تحقیقات ما، در اغلبِ زمینه‌ها، قطعیت نیافته است ...



نام این جزوه، قبل از چاپ ششم، «فارسی‌نویسی برای کودکان» بود. در چاپ ششم، ما «مُقَدِّمه‌یی بُر» را بر نام قبلی افزودیم (البته ضمنِ اینکه اصلاحاتِ

۱. لطفاً نگاه کنید به جلد دوم از همین مجموعه، به نام «مراحلِ خلق و تولید ادبیات کودکان».

بسیاری در متن انجام دادیم و یادداشت‌ها و توضیحاتی بر آن افزودیم) به دو دلیل: نخست اینکه مطالعات و تحقیقات ما، نسبت به زمانی که این جزوه برای اولین بار به چاپ رسید، توسعه یافت و در نتیجه بحث در باب «فارسی‌نویسی برای کودکان» به جزوه‌های دیگر کشیده شد. دوم اینکه ما، در عمل، متوجه شدیم که زمانی بس طولانی لازم است تا بتوان «حرف آخر» یا «حرفی صد در صد قطعی شده» را در این گونه زمینه‌ها زد؛ بنابراین، سخنان ما، فعلاً و به راستی، در حد یک «مقدمه» است نه چیزی بیشتر.

در زمان حاضر، افراد و گروه‌های کوچکی هستند که در زمینه‌ی فارسی‌نویسی برای کودکان، به طور جدی و مُحَبَّانَه، کار می‌کنند؛ و گهگاه نیز، نتایج کارهای خود را با ما در میان می‌گذارند. ما سپاسگزار ایشان و همه‌ی آن‌هایی که در آینده به این مُهم خواهند پرداخت، هستیم.

کودکانِ ما، همچنان، چشم به راه‌اند...

چشم به راه کسانی که خواهند آمد

و جمیع مسائل را در باب «ادبیات کودکان»، مسئولانه، پیش چشم خواهند داشت.

و با «دوره‌بین» یا «دُرُشت‌کننده»یی بس دقیق به مسائل و مشکلات و نیازمندی‌های فرهنگی کودکانِ وطن خواهند نگریست.